



حجة الاسلام والمسلمین
موسوی تبریزی

قوانین کثیر در اسلام

مشخصات قوانین اسلامی و نحوه اجرای آن

سئال جامع علوم انسانی

یکی از امتیازات بزرگ اسلام، مساوی بودن همه افراد در برابر قانون است، و احدی بر دیگری در برابر قانون و اجرای حدود الهی هیچگونه امتیاز و ترجیحی ندارد، و قاضی نمی‌تواند در اجرای عدالت اسلامی و حدود الهی بین مردم فرقی قائل شود و با شفاعت و توصیه‌ای را بپذیرد و یا بخاطر کسی، دیگری را مورد عفو قرار دهد و امت مسلمان و دیگران باید به این مطلب ایمان داشته باشند که حقوق همه یکسان است و هیچ‌کسی مافوق قانون و خارج از

محدوده آن نیست که بتواند به حقوق دیگران تجاوز کند و از مجازات مصون بماند چنانچه اگر حاکم مسلمین و ولی مؤمنین نیز - خدای نکرده - تخلفی کند و شخصی از او ناکی باشد، باید محاکمه شود و هم در حال محاکمه و هم در اثبات جرم و هم در اجرای کفر - پس از ثبوت جرم - امتیازی برایش وجود ندارد. ما این مسئله را از جهات مختلف مورد بحث قرار میدهم و ادله مورد نظر را نقل می‌کنیم:

۱- از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

- ۲- از نظر آیات و روایاتی که بر مساوی بودن افراد از نظر قانون دلالت می‌کند.
- ۳- وظائف قاضی در اسلام در رابطه با اجرای عدالت و مساوات میان مردم.
- ۴- ممنوع بودن شفاعت و توصیه‌وبارتنی بازی در اجرای حدود الهی.
- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر اساس روایات و آیات الهی نوشته شده و از مبانی اسلام ریشه گرفتار است در اصول مختلفی به این مسئله تصریح یا اشاره میکند:
- الف - اصل نوزدهم: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی بر-

فقیر و غنی بودن آنان در حکم و شهادت شما هیچگونه اثری نگذارد که خداوند در این امر از شما سزاوارتر است و از هوای نفس خودتان پیروی نکنید که از جاده مستقیم حق منحرف می شوید و اگر منحرف شدید و یا از اجرای عدالت و ادای شهادت بحق سرباززدید خداوند به اعمال شما آگاه و ناظر است.

خوانندگان محترم توجه می کنند که خداوند متعال چقدر تاکید دارد که قوم و خویشی و مقام و ثروت در قضاوتها و شهادتها و محاکمه های ماهرگزن باید دخالت داشته باشد و اگر دخالت دهیم از صراط مستقیم و عدالت خارج می شویم. آیات زیادی در این زمینه است که ما به دو نمونه فوق کفایت می کنیم.

در روایات نیز در این زمینه مطلب زیاد است ولی به چند نمونه از نهج البلاغه و

ه - اصل چهلم: هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

۲ - از نظر روایات و آیات:

الف - "یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان کریمکم عند اللہ اتقیکم" (۲)

- ای مردم ما شما را از یک سر و زن آفریدیم و قبیله ها و طایفه های مختلف قرار دادیم که همدیگر را بشناسید و وسیله شناسائی همدیگر باشد (لکن) بهترین و عزیزترین شما در پیشگاه پروردگار پرهیز - کارترین شما است. یعنی هیچکدام از شما در هر پست و مقامی که باشید و در هر شرائط محیطی و جغرافیائی و با دارای هر رنگ و زبان خاصی باشید بر همدیگر در برابر قانون و در برابر پروردگار امتیازی ندارید

خوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

ب - اصل بیستم: همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان، در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

ج - اصل چهاردهم: به حکم آیه شریفه: "لا ینهیکم اللہ عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجواکم من ديارکم ان تبرهوا و تقسطوا الیهم ان اللہ یحب المقسطین" (۱)، دولت جمهوری اسلامی

اسلام در اجرای قانون و عدالت در هیچ مرحله، به کسی

امتیاز خاصی نمیدهد و در اجرای حدود و کیفرهای اسلامی نیز پس از

ثبوت حکم، همان وضع است

روایات وارده بسنده می کنیم:

الف - امیرالمؤمنین (ع) در عهدنامه معروف خود خطاب به مالک اشتر میفرماید: "و اشتر قلبک الرحمة للرحمة و اللطف لهم و اللطف بهم و لا تكون علیهم سبعا خاریا تفتنم اکلهم فانهم صنفان" "اما اخ لك فی الدین او نظیر لك فی الخلق".

ای مالک دلت را با محبت و احسان و رحمت به رعیت پیوند بزن و بر آنان مانند حیوان درنده ای نباش که از فرصت استفاده کند و خوردن آنها را غنیمت شمارد چرا که آنان با برادر دینی تو هستند و باید خلقت و انسانیت ترا همانندند.

فقط عمل و ایمان است که می تواند انسانها را از نظر خداوند ممتاز سازد.

ب - "یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهیدا" لله و لو علی انفسکم " و الوالدین و الاقربین، ان ینکن غنیا " و فقیرا فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا و ان تلووا و تعرضوا " فان الله کان بما تعملون خبیرا " (۳)

- ای کسانی که ایمان آورده اید همواره برای اجرای عدالت و قسط قیام کنید و شهادت برای خدا بدهید و در اجرای عدالت و ادای شهادت خدا را در نظر بگیرید اگرچه آن شهادت بضرر خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان شما تمام شود و

ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان، با اخلاق حسنه، و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

د - اصل سی و چهارم: دادخواهی، حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند بمنظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند، و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که بموجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

ب - و در خطبه ۳۷ می فرماید :

"الذليل عندى عزيز حتى اخذ الحق"
"له والقوى عندى ضعيف حتى اخذ الحق منه".

- فرد استمدید و مظلوم و ذلیل شده پیش من عزیز است تا اینکه حق وی را از دستم گران و نجاورز - گران بگیرم و فرد بظاهر قوی و متجاوز و برزور پیش من ضعیف است تا موقعیکه حقوق دیگران را از وی بستانم .

ج - در حدیث نبوی از رسول الله (ص) نقل شده است که فرموده اند :

"الا ان ربکم واحد وان اباکم واحد"
"الا لافضل لعربی علی اعجمی ولا -"
"لا اعجمی علی عربی ولا اسود علی -"
"حمرو ولا حمرو ولا اسود الا بالتقوی" (۴)

- آگاه باشید که خدای شما یکی است و از یک پدر و مادر به دنیا آمده اید و هیچ فضیلت و برتری عرب بر عجم و نه عجم بر عرب و نه سیاه بر سرخ و نه سرخ بر سیاه هیوست ندارد مگر بوسیله پاکی و تقوی .

د - و نیز در روایت دیگر می فرماید :

"الناس سواسیه کالسان المشط"
- مردم در برابر قانون مانند دندانهای تانه مساوی هستند و هیچ کس امتیازی بر دیگری ندارد و مصونیت از کیفر قانون پیدا نمی کند .

۳ - وظیفه قاضی از نظر اسلام در اعمال مساوات میان مردم :

باید بگویم که یکی از ویژگیهای بسیار ارزنده مکتب اسلام از سایر مذاهب و مکاتب همین مسئله است که بقدری تاکید در اعمال مساوات در مقام قضاوت شده است که در جاهای دیگر نظیرش دیده نمی شود : در نگاه قاضی ، سلام کردن قاضی ، رد جواب سلام ، نشستن دو طرف دعوی در برابر قاضی ، شروع صحبت از طرف قاضی ، خطاب قاضی و احترامی که برای طرفین دعوا انجام می دهد ، در تمامی این مسائل بسیار ریز و دقیق - و بظاهر کوچک ولی در واقع بسیار مؤثر - اکیدا به اعمال تساوی سفارش شده

است .

سکونی از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمودند :

"قال امیرالمؤمنین - علیه السلام :"
"من ابتلی بالقضا فلیواس بینهم فی -"
"الاشاره و فی النظر و فی المجلس"

- کسیکه قضاوت می کند باید میان مردم (اطراف دعوی و شکایت) در اشاره کردن و نگاه و جای نشستن به تساوی رفتار نماید . امام امت در کتاب تحریر الوسیله در کتاب القضا می فرماید :

"القول فی وظائف القاضی ، وهی امور :"
"الاول ، یجب التسویه بین الخصوم"
"وان تفاوت فی الشرف والضعف فی -"
"السلام والرد والاجلاس والنظر و"
"الكلام والائصات وطلاقة الوجه و"
"سائر الاداب وانواع الاکرام والعدل"
"فی الحكم ."

- (در باره وظائف قاضی می فرماید :)
اول این است که بر قاضی لازم است که میان طرفین یا اطراف دعوا با مساوات رفتار نماید اگر چه طرفین از نظر شغلی یا علمی یا مادی با همدیگر تفاوت داشته باشند ، مساوات در نگاه کردن ، در نشاندن آنها ، در سلام ، در پاسخ سلام ، در سخن گفتن و شروع صحبت ، در گوش دادن ، در خوش - روئی به آنان و بالاخره در تمامی آداب و رسوم و احتراماتی که انجام می گیرد و در اجرای عدالت در میان آنان .

اکثر فقهای ما مانند مرحوم محقق در شرایع و دیگران قائل به وجوب مساوات در اعمال مذکور هستند و آنرا از وظائف لازم قاضی شمرده اند ، و بعضی از فقها گفته اند بجز تسویه در اجرای عدالت در باقی اعمال مستحب است که قاضی مساوات را رعایت کند . البته بحث مفصل است لکن از ظاهر روایات و روح احکام اسلام بنظر می رسد که رعایت امور فوق الذکر لازم است ، چراکه عدم رعایت آنها و امتیاز قائل بودن برای یکی از اطراف دعوی در محکمه و در مجلس قضا و مورد عنایت و محبت خاص قاضی

واقع شدن یکی از آنها باعث ضعف روحی طرف دیگر در دادگاه می شود و از عدالت قاضی مایوس می شود و نمی تواند که ماحوقه از خود و حق خود دفاع کند به همین خاطر است که نقل شده است هنگامی که امیر - المؤمنین - علیه السلام - با شخصی در مورد موضوعی دعوی و اختلاف داشته وقتی وارد محکمه شدند قاضی بلند شد و امیر - المؤمنین را با لفظ "یا اباالحسن" (کنیه حضرت) و با احترام خاص خطاب کرد ، حضرت ناراحت شد و فرمود در محکمه قضاوت باید خطابها و اکرامها و احترامها در باره طرفین دعوی مساوی باشد و گرنه طرف دیگر احساس امنیت کامل نمی کند .

۴ - ممنوع بودن شفاعت در حدود :

از مطالب گذشته کاملا روشن و مبرهن شد که اسلام در اجرای قانون و عدالت در هیچ مرحله به کسی امتیاز خاصی نمی دهد و در اجرای حدود و کیفرهای اسلامی نیز پس از ثبوت حکم نیز همان وضع هست و لذا یکی از محرمات بزرگ الهی شفاعت کردن در توقیف حدود است و این مسئله یکی از مشکلاتی است که امروز جامعه ما در این فرهنگ طاغوتی و استکباری نظام پهلوی مقداری بدان مبتلا است و هنوز بطور کامل حل نشده است . امروز خیلی از برادران و خواهران که مسلمان و متدین و انقلابی و اینارگر هستند حاضرند که در جبههها به شهادت برسند و مبارزه با کفر جهانی را در مطلع کارهای خود قرار می دهند لکن جای تاسف بسیار است که در موقع اجرای حدود و احکام کیفری اسلام تا آنجا فرهنگ اسلامی بالا نرفته است که با کمال میل بپذیرد که حدود الهی درباره خود و فرزندانش و با



نزدیکانش اجرا شود و گاهی این مطلب حتی از بزرگان و علما و متعهدین هم دیده میشود که تا مقداری در رابطه با توصیه‌های غیر شرعی و اینکه بتوانند افرادی را از تحت کیفر قرار دادن برهاند تلاش می‌کنند در حالیکه اسلام شدیداً با این مسئله مبارزه می‌کند و اجرای حدود را از هر کس باشد لازم می‌داند و توصیه را از هر کس که باشد ممنوع می‌داند و حرام و یکی از بهترین امتیازهای اسلام همین است.

محمد بن قیس از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود:

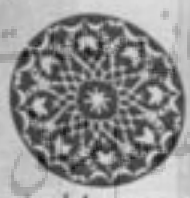
"کان لام سلمه - زوج النبی (ص) -"
 "امة فرقت من قوم فاتی بها النبی -"
 "صلی الله علیه وآله - فکلمته ام -"
 "السلمه فیها فقال النبی (ص) یا ام -"
 "سلمه هذا حد من حدود الله لا یضیع"
 "فقطعه رسول الله (ص) ."
 - امام باقر (ع) می‌فرماید ام سلمه -
 - همسر حضرت رسول (ص) - کنیزی داشت که دزدی کرد ، او را پیش رسول الله آوردند

ام سلمه می‌خواست شفاعت کند حضرت فرمود: ام سلمه! این حدی از حدود الهی است که هرگز نباید ضایع و ترک شود ، پس دستور دادند دست کنیزک را قطع کردند . در جای دیگر هست که وقتی یکی از زنان اشراف مدینه دزدی کرده بود و برای رسول الله (ص) محرز گشته بود و می‌خواست حد را اجرا کند بعضی‌ها پیش اسامه بن زید که مورد عنایت رسول الله بود رفته که ایشان وساطت و شفاعت نمایند ، وقتی وی خدمت حضرت رسول آمد و اظهار شفاعت نمود حضرت با تندوی فرمود:

"اشفاعه فی حدود الله والله لو کانت"
 "فاطمه بنت محمد لقطعتها" (۵)
 - آنها در باره حدود الهی و ترک آن توصیه می‌کنی؟ هرگز ، اگر دختر خودم فاطمه نیز بود دستش را قطع می‌کردم و حدود الهی را اجرا می‌کردم (۵)

در این زمینه از طرق مختلف شیعه و اهل تسنن روایات زیادی وارد شده است و از اصول مسلم میان فقهای شیعه و سنی است و اجماع مسلمین است بر حرمت شفاعت و توصیه در حدود و قضایای بسیاری از رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه نقل شده است که ما بهمن مقدار کفایت می‌کنیم .

اداعه دارد



دهم اسفند - ورود امام خمینی به قم .
 دهم جمادی الاول - سقوط شاهنشاهی ساسانی به دست مسلمین . (۵۳۱ ق)
 دوازدهم جمادی الاول - وفات حضرت عبدالعظیم .
 دوازدهم جمادی الاول - جنگ موته .
 سیزدهم جمادی الاول : شهادت یانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها (به قولی) . (۵۱۱ ق)

**مجلس هشتم
 و نهم
 حواله در تاریخ**

اول اسفند - تعیین اعضای شورای نگهبان قانون اساسی توسط امام (۱۳۵۸)
 سوم اسفند - کودتای انگلیسی رضا خان . (۱۳۹۹)

۱ - سوره ممتحنه (۶۸) آیه ۸ - خداوند شما را از دوستی و محبت و اجرای عدالت و رعایت آن در باره کسانی که با شما نمی‌جنگند و شما را از دیار خود خارج نمی‌کنند و در شرایط صلح و سازش با شما رفتار می‌کنند اگر چه غیر مسلمان باشند تهنی نمی‌کند .

۲ - سوره حجرات (۲۹) آیه ۱۳ .
 ۳ - سوره نسا (۴) آیه ۱۳۵ .
 ۴ - بنقل از تفسیر قرطبی .

۵ - در کتاب سنن ابی داود در خبر ۴۳۷۲ همین حدیث را نقل می‌کند با تفاوتی که بخاطر اهمیت آن ، تنه را نقل می‌کند . وقتی اسامه خدمت رسول الله آمد حضرت فرمود :

"اشفع فی حد من حدود الله - ثم"
 "قام فاخطب فقال : انما هلك الذین"
 "من قبلکم انهم کانوا اذا سرق قبیهم"
 "الشریف ترکوه و اذا سرق قبیهم"
 "الضعیف اقاموا علیه الحد ، و اہم -"
 "الله لو ان فاطمه بنت محمد سرقت"
 "لقطعت یدها" .

- آنها در حدود الهی شفاعت و توصیه می‌کنی - و سپس بلند شدند و به حال خطابه به مردم فرمودند : آنانکه قبل از شما از ملت‌های گذشته بهلاکت رسیدند بحیث این بود که اگر شخص معروف و ثروتمندی در میانشان دزدی می‌کرد رها می‌کردند و اگر بیچاره و ضعیفی دزدی می‌کرد کیفر می‌کردند و حدش را اجرا می‌نمودند ، والله اگر فاطمه دختر محمد دزدی بکند دستش را قطع می‌کنم و همین روایت در کتاب الجامع المحییج ترمذی در جلد ۴ باب ۶ نیز نقل شده است .

هفدهم اسفند - آغاز مبارزه مردم مسلمان فیلیپین با رژیم جبهه دمور . (۱۳۴۷)
 هیجدهم اسفند - شهادت سید جمال الدین اسدآبادی . (۱۳۲۵)
 بیست و یکم اسفند - لغو بیمار استعماری "سنو" . (۱۳۵۷)
 بیست و سوم اسفند - درگذشت آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی . (۱۳۴۰)
 بیست و چهارم اسفند - برگزاری انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۸)
 بیست و هفتم اسفند - پایان تجاوز آشکار فرانسه به الجزایر . (۱۳۴۱)